

فصل نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۲ شماره ۴۵، پاییز ۱۳۹۹، صص ۴۱-۵۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۳، تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۱

بررسی مفهوم قدرت در نامه‌های فروغ‌الدوله دختر ناصرالدین شاه قاجار

با تکیه بر نظریه قدرت میشل فوکو

معصومه شاهسواری^۱، دکتر فاطمه حیدری^۲



چکیده

مطالعات نشان می‌دهد که زندگی زنان در طول تاریخ همواره با فراز و فرود و اغلب بی‌عدالتی و تحقیر مواجه بوده‌است. با توجه به مردانه‌نویسی در تاریخ و ادبیات فارسی، کمتر می‌توان اطلاعات کاملی درباره ویژگی‌های شخصیتی و جامعه‌شناختی زنان به دست آورد. در عصر قاجار و همزمان با تحولات در اروپا برخی از زنان آغازگر تحول در دربار شدند. حضور آنها در محافل سیاسی، اجتماعی و ادبی و آثاری که از خود به جا گذارده‌اند، برای شناخت میزان این تحولات اهمیت دارد. در میان این آثار، نامه‌ها به دلیل گزارش واقعیات زندگی، ارزش بیشتری دارند. این پژوهش بر آن بوده است تا با تحلیل این نامه‌ها، میزان و چگونگی اعمال قدرت یکی از زنان درباری را بررسی نماید. روش پژوهش در این مقاله براساس تحلیل نامه‌های فروغ‌الدوله، دختر ناصرالدین شاه قاجار، و انطباق محتوای آنها با گزاره‌های قدرت میشل فوکو، نظریه پرداز قرن نوزدهم، استوار شده‌است. نتیجه به دست آمده حاکی از آن است که علی‌رغم افزایش آگاهی و بیشتر شدن حضور این زنان در فعالیت‌های اجتماعی، آنها نتوانسته‌اند بدون پشت گرمی و حمایت مردان، خواسته‌های خود را اجرا نمایند و از نظر توزیع قدرت، در مرتبه فرودست قرار گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: دوره قاجار، زنان، نامه‌ها، فروغ‌الدوله، قدرت، میشل فوکو.

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

Shahsavari5353@gmail.com

^۲ دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسئول)

Fateme_heydari10@yahoo.com

مقدمه

جایگاه و میزان قدرت یا ضعف زنان در جامعه از موضوعات قابل توجه جهان معاصر است. در روزگاران گذشته زنان جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند و پا به پای مردان در اجتماع فعالیت می‌کرده‌اند. در ادبیات ملی بعد از اسلام و به ویژه در قرن چهارم توجه بیشتری به زنان شده است. بسامد بالای واژه «زن» در شاهنامه به عنوان شناسنامه فرهنگ و تمدن مردم ایران نشان از اهمیت و تاثیر زنان در سرنوشت یک قوم دارد.

برخلاف اشعار شاهنامه، در شعر تغزلی فارسی، حضور زن بسیار کم‌رنگ است و توصیف‌های شاعران از معشوق، توصیف‌هایی از مردان با خصایص زنانه است و شاعران و نویسندگان فقط برای مخاطبان مرد می‌نوشتند و می‌سرودند. دلیل این کار چیزی جز دور ماندن یا دور نگه داشتن زنان از فعالیت‌های اجتماعی و عدم آشنایی آنها با علم و دانش نبوده است.

در زمان صفویه محدودیت زنان بیشتر شد؛ بساط حرمسراها روزبه‌روز گسترش یافت و ارکان اجتماعی و اخلاقی که از افتخارات قوم ایرانی بود رو به زوال نهاد. در زمان قاجار نیز مردان ارزش چندانی برای زنان قائل نبودند. جهانگردان و شرق‌شناسانی که در شش سده اخیر به ایران آمده‌اند در سفرنامه‌های خود به جزئیات زندگی زنان و جایگاه آنان علاقه نشان داده‌اند. این خاطرات و سفرنامه‌ها بخشی از واقعیات عربان جامعه آن روز و بی‌عدالتی نسبت به زنان را به تصویر کشیده‌اند.

در زمان فتحعلیشاه و ارتباط با کشورهای خارجی فکرآزادی زنان در ذهن مردم راه یافت و مردان فرنگ‌رفته، زنان فرنگی را از زنان ایرانی برتر دانسته آنها را به عنوان الگوی زنان ایرانی تجویز کردند. در خارج از کشور نویسندگانی همچون آخوندزاده و میرزاآقاخان کرمانی با پیشگامی در انتقاد از وضعیت زنان در ایران خواهان برقراری الگویی متعادل برای آنان شدند. اینان با کتب و مقالات خود در تغییر باورهای جامعه، کوشیدند زمینه‌هایی را برای دگرگونی در وضعیت آنها فراهم سازند.

با گسترش دامنه تحولات، زنان اندک اندک وارد جامعه شدند. در این میان، حضور زنان درباری در اجتماع شکل متفاوت‌تری داشت. ساختار حرمسراها و نظارت بر میزان

آزادی عمل زنان و دختران قاجار باعث شده بود تا آنها بتوانند به صورت مشهودتری نسبت به دوره‌های قبل در جوامع زنانه نوپایی مثل انجمن اخوت، مدارس تازه تاسیس خارجیان برای زنان و دختران و مراسم دینی مثل روضه و تعزیه حضور داشته باشند. این تغییرات از دربار فتحعلی شاه آغاز شد، چنان که برخی ازدختران او، خوشنویس، هنرمند و عاشق نوشتن بودند.

پیشینه پژوهش

زندگی بسیاری از زنان از گذشته تا به امروز در پرده ابهام باقی مانده است. از میان کتاب‌هایی که به موضوع زن و به ویژه زنان در عصر قاجار پرداخته‌اند؛ آثار ارزشمندی چون «زنانی که زیر مقنعه کلاهداری نموده‌اند» (اتحادیه، ۱۳۸۸)؛ که به سرگذشت و خاطرات تاج السلطنه از زنان ممتاز دربار قاجار اختصاص دارد، «سفردانه به گل» (عاملی رضایی، ۱۳۸۹) در سیر تحول جایگاه زن در نثر دوره قاجار و «زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا انقلاب سفید» (بامداد، ۱۳۴۸) جایگاه ممتازتری دارند.

سفرنامه‌نویسان غربی نیز که در عصر قاجار در ایران حضور داشته‌اند از پرداختن به موضوع زنان غافل نبوده‌اند. خاطرات لیدی شیل (شیل، ۱۳۶۸) و آدم‌ها و آیین‌ها در ایران (سرنا، ۱۳۶۲) دو نمونه از سفرنامه‌هایی هستند که به دست زنان فرنگی نوشته شده‌اند.

از مهمترین مقالاتی که به چگونگی ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی از جمله نویسندگی پرداخته است، مقاله «تحول جایگاه زن در نثر پیش از مشروطه» (عاملی رضایی؛ حمیدی، ۱۳۸۷) حائز اهمیت است. همچنین اسنادی که در کتب تاریخی مانند امیرکبیر و ایران (آدمیت، ۱۳۹۴)، مهد علیا به روایت اسناد (نوایی، ۱۳۸۳)، یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه (معیر الممالک، ۱۳۸۰)، قبله عالم (امانت، ۱۳۸۲) و... به آنها استناد شده است، خالی از حضور زنان نیست.

ایرج افشار نیز از اولین کسانی است که در سال‌های اخیر با سعی تحسین برانگیزی به جمع آثار قلمی عصر قاجار به ویژه نامه‌های به جای مانده از زنان و مردان این دوره پرداخته است. در این میان جای تحقیقات جامعه‌شناختی با استفاده از تحلیل آثار خصوصی زنان خالیست.

روش تحقیق

این مقاله بر اساس تحقیق کتابخانه‌ای و تحلیل و توصیف سیصد و سی نامه به جا مانده از فروغ‌الدوله که به پیشکار و اطرافیان خود می‌نوشته و انطباق محتوای آنها با بخش‌های مختلف نظریه قدرت میشل فوکو از نظریه‌های مهم در زمینه قدرت و معاصر با دوره قاجار به سامان شده‌است.

مبانی تحقیق

مفهوم قدرت

قدرت یکی از اصلی‌ترین مفاهیم علم سیاست است؛ به این دلیل که در روابط میان افراد حضور همیشگی دارد و ابعاد مختلف جامعه با آن شکل می‌گیرد. از این رو جامعه‌شناسان کوشیده‌اند با جداکردن آن از اقتدار مشروع، از سویی و زور از سویی دیگر، آن را تعریف کنند.

تعاریف افراد مختلف برای قدرت با نظام‌های حکومتی که در آن می‌زیسته‌اند ارتباط مستقیم دارد و در نگرش‌های سیاسی، قدرت همواره معادل حکومت تلقی می‌شود و مردم عادی فاقد آن هستند.

با توجه به نتایج مطالعات، دو دیدگاه و خط سیر مدرن و پست مدرن درباره قدرت وجود دارد. در دیدگاه مدرن، قدرت، به معنای نفوذ خارجی بر انسان‌ها تلقی می‌شود و در حقیقت توانایی فرد یا افراد در واداشتن دیگران برای انجام کاری است. در این دیدگاه، قدرت صرفاً مادی نیست، بلکه مطابق با توانایی‌های فرد جهت تاثیر بر جهان در جهت تحقق نیت خود است. قدرت می‌تواند طبیعی باشد؛ همچون نیرومندی و زیبایی یا اکتسابی مانند ثروت، دوستی و شهرت. (رک: اشرف نظری، ۱۳۸۴: ۲۷۱) تعاریف مختلف از قدرت مدرن، نشان می‌دهد که اغلب نویسندگان تمرکزشان بیشتر بر موضوع مشروعیت قدرت است تا خود قدرت. اما تعریف پسامدرنی از قدرت را اول بار «میشل فوکو» مطرح ساخته است.

میشل فوکو

«میشل فوکو در ۱۱۵ اکتبر ۱۹۲۶ در فرانسه و در خانواده‌ای مرفه به دنیا آمد. وی که در سال

۱۹۴۵ برای تحصیل به پاریس رفته بود با استادش «ژان هیپولیت» آشنا شد که بعدها تأثیر به سزایی بر اندیشه او گذاشت. (نوابخش؛ کریمی، ۱۳۸۸: ۴۹-۶۴) او در ۱۹۷۰ برای تدریس در کرسی تاریخ سیستم‌های فکری در «کلژدوفرانس»، برترین مؤسسه دانشگاهی در فرانسه برگزیده شد و در همین سال به مطالعه گسترده درباره روابط قدرت و جامعه انضباطی پرداخت. از مهمترین آثار وی می‌توان به نظم‌اشیا، تبارشناسی معرفت، مراقبت و تنبیه، تاریخ جنون و جنسیت اشاره کرد.

بحث پیرامون مفهوم قدرت از اصلی‌ترین مباحث در حوزه نظریه‌های سیاسی فوکو است.

تعریف میشل فوکو از قدرت

«بنابر نظر فوکو افراد نه فقط درون شبکه‌های قدرت در رفت‌وآمدند بلکه همیشه در وضعیتی دوگانه به سر می‌برند، اعمال قدرت و تحت سلطه آن قرار داشتن، پس کسانی که اعمال قدرت می‌کنند به اندازه کسانی که بر آنها اعمال قدرت می‌شود گرفتارند.» (قادر زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۹)

به عقیده فوکو، هر جا قدرت باشد مقاومت هم هست، قدرت در جایی معنادار می‌شود که توانایی مقاومت وجود داشته باشد. به همین جهت قدرت تنها بر آنها که مقاومت می‌کنند اعمال می‌شود و آنها نیز به نوبه خود بر دیگران اعمال قدرت می‌کنند. بر این اساس همواره امکان واژگونی قدرت وجود دارد.

قدرت از نظر فوکو «همچون رابطه‌ای است که به صورت رشته‌ها و تارهایی درهم پیچیده در اجتماع است و در تمام سطوح خرد و کلان وجود دارد و بسان سیستم عصبی در جامعه پخش است. قدرت در همه جا هست، نه به خاطر اینکه همه چیز را در بر می‌گیرد، بلکه از این رو که از هر جایی نشأت می‌گیرد و از پایین به بالا می‌جوشد، ماهیت نرم‌افزاری دارد و قابل مشاهده نیست و لزوماً با ابزارهای خشونت اعمال نمی‌شود.» (نوابخش؛ کریمی، ۱۳۸۸: ۴۹-۶۴)

چند برداشت از نظریه فوکو

از این نظریه چند نکته اساسی قابل برداشت است که با موضوع این پژوهش سازگاری

دارد:

- اختلاف‌های طبقاتی و امتیازهای سنتی بر میزان قدرت تاثیرگذار است.
- قدرت روابط بین افراد را شکل بخشیده و به نمایش میگذارد.
- عاملان قدرت به اندازه کسانی که اعمال قدرت می‌شوند، گرفتارند.
- قدرت با دانش ارتباط دوسویه دارد. هر جا دانشی باشد قدرت ایجاد خواهد کرد و قدرت بدون دانش اعمال نمی‌شود.
- قدرت همچون سیستم عصبی در همه سطوح جامعه گسترده شده است.
- علاوه بر ابزار قوه قهریه، اثرات ترغیب کلامی، سیستم‌های مراقبتی و یا کاربرد وسایل کم‌ویش پیچیده کنترلی می‌تواند عامل ایجاد قدرت باشد.
- قدرت لزوماً با ابزارهای خشونت اعمال نمی‌شود، بلکه ممکن است به صورت نرم افزاری باشد که قابل مشاهده نیست.
- قدرت از هرجایی نشأت می‌گیرد و از پایین به بالا نیز اعمال می‌شود که به آن واژگونی قدرت گفته می‌شود؛ هر جا قدرت وجود دارد مقاومت نیز معنا می‌یابد.
- به نظر می‌آید که اغلب این موارد در گفتمان قدرت عصر قاجار قابل مشاهده هستند. زیرا در نتیجه آشنایی با فرهنگ غرب و آغاز دوره نوزایی در ایران، نظام طبقاتی تا حدودی دستخوش تغییر شده بود و حاکمیت در جایگاه فرادست، آن قدرت مطلق سنتی را نداشت و فرودستان نیز می‌کوشیدند تا گام‌های موثرتری در جهت خارج شدن از سلطه و اطاعت چشم و گوش بسته و محض بردارند.

فروغ الدوله

«فروغ الدوله (تومان آغا) از دختران سوگلی و دوست داشتنی ناصرالدین شاه بود. «ذکر لقب فروغ الدوله در الماثر و الآثار آمده است. او بعدها به ملکه ایران شهرت یافت. ذیل نامه‌هایی که از تهران به «ظهیرالدوله» همسر خود (حاکم گیلان) می‌نوشت امضای ملکه ایران را گذاشته است.» (افشار، ۱۳۸۳: نه)

فروغ الدوله در سال ۱۲۷۹ متولد شده و در سال ۱۳۳۵ قمری درگذشته است. او هنرمند بوده و شعر می‌سروده چنان که ذکر هنرمندی او در صدرالتواریخ آمده است: «در سر ناهار

خواججه سرایی صورتی از موم که بسیار خوب ساخته بود در دست داشت به حضور آورد. معلوم شد تومان آغا صبیّه شاه که هنوز شوهر نکرده است ساخته بود.» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۹۴: ۱۰۹) وی در زمان همسری ظهیرالدوله عضو انجمن اخوت بوده و به جلسات انجمن می‌رفته و سخنرانی می‌کرده و اشعار مدح آمیزی نیز می‌گفته است. (ر.ک: بامداد، ۱۳۴۸: ۱۰)

بحث

گذری اجمالی بر وضعیت زنان دربار

تشریح وضعیت زنان حرمسرای شاهان همیشه یکی از موضوعات ثابت نقل خاطرات عصر قاجار و اغلب با بی‌مهری‌هایی همراه بوده است. در دوره قاجار، زنان دربار با وجود دشواری‌ها و کور باش و دور باش‌ها، ضمن توجه به موسیقی، نقاشی، خوشنویسی و شاعری، در امور اجتماعی و مذهبی روزهای محرم و کلاس‌های شرعی ماه مبارک رمضان شرکت می‌کردند.

همسران متعدد شاهان قاجار هر کدام به طریقی وارد حرمسرا شده بودند و بنابر میزان علاقه و دوستی شاه از امکانات خاصی برخوردار بودند. زنان محبوب ناصرالدین شاه، چندین نفر بودند و با توانمندی‌های که در خود داشتند، بر عقل و احساس پادشاه تاثیر می‌گذاشتند. جیران با رفتارهای مردانه‌اش در تجریش دل شاه را ربود و انیس‌الدوله نخستین ملکه ایران تا اروپا مسافرت کرد و از شاه نشان حمایل آفتاب دریافت نمود و در عزل و نصب‌ها دخالت می‌نمود؛ به طوری که در باطل کردن امتیاز رویتر و سپس برکناری صدراعظم (مشیر الدوله)، که موجب بازگرداندن او به ایران در سفر ناصرالدین شاه به روسیه شده بود، نقش اصلی را ایفا نمود. همچنین وی مسقیما با شاه بحث و حتی قهر می‌کرده و از افراد تاثیرگذار در جمع کردن قلیان از حرمسرای ناصرالدین شاهی بوده است. (ر.ک: کریمی، ۱۳۹۲: ۱۶۷)

انیس‌الدوله به تقلید از زنان فرنگی آغازگر تغییر در مد و لباس زنان دربار بود.

قدرتمندترین زن دربار ناصری، مهدعلیا، مادرشاه قاجار بود که از ارکان تصمیم‌گیری دربار به شمار می‌رفت و برخلاف همسر بیمارارش تلاش می‌کرد خود را حتی در امور جزئی دربار درگیر نماید. او اصلی‌ترین نقش را در به تخت نشستن پسرش ناصرالدین میرزا ایفا نموده و برای رسیدن به هدف چهل روز در قصر خویش دور از تاج و تخت رسمی شاهانه

و در پس پرده حرمسرا سررشته نادیدنی و گاه ناخواندنی بسیاری از کارها را در دستار خود داشته‌است. همچنین به دلیل کنترل رفتار و اعمال قدرت‌طلبانه او توسط امیر کبیر در توطئه عزل و قتل امیر نقش اصلی را ایفا کرده‌است. (ر.ک: آدمیت، ۱۳۹۴: ۶۹۰)

نامه‌های فروغ‌الدوله و انطباق محتوای آنها با نظریه قدرت

از فروغ‌الدوله نامه‌هایی به جا مانده که از لابه‌لای آنها می‌توان وضعیت اجتماعی زن درباری و عصری را که او در آن می‌زیسته به خوبی مشاهده کرد.

مسئله فروغ‌الدوله تصویری از این که روزی نامه‌هایش در معرض قضاوت عموم قرار بگیرد نداشته و به همین جهت بدون پنهان کاری و ظاهرسازی به نگارش آنها پرداخته‌است. این نامه‌ها نشان می‌دهند که او زنی اشرافی و متفاوت با سایر زنان دربار است و با آگاهی از علم حساب و کتاب و آراستگی به هنرهایی همچون نویسندگی، شاعری و مجسمه سازی، علاوه بر رتق و فتق امور اندرونی، در تنظیم امور ملکی، رسیدگی به حساب و کتاب های منزل و نوکرها و باغبان‌ها، قرض و طلب، خرید و فروش و... نظارت داشته‌است.

فروغ‌الدوله بارها در نامه‌هایش بر آگاهی و شناخت خود از اوضاع و افراد تاکید می‌کند و سعی دارد از آنها برای اعمال قدرت استفاده نماید. به عنوان نمونه در یکی از نامه‌های خود قیمت اقلام را به پیشکار یادآور می‌شود تا از فریب کاری زیر دستانش در امان بماند:

«سیاهه‌های مشدی فرج الله را دادم آوردند. آنچه قلم زد ببینید. همه حق است یا ناحق. شما به عمرتان نسخه دوا را نسخه‌ای هشت هزار و پنج هزار دیده‌اید یا شنیده‌اید. انتها نسخه فلوس، شیرخشت ده شاهی. این چیزی است که همه دنیا می‌دانند...» (افشار، ۱۳۸۳: ۱۹۰) و یا در نامه دیگری نوشته‌است: «مگر میوه مجموعه چهار تومان است که دوازده مجموعه را چهل تومان نوشته‌است. شما می‌گویید میوه گران است مجموعه‌ای دوازده هزار حساب کنید. توی میوه‌خوری‌های بلور کوچک هم بود چندان میوه هم نداشت. متها دوازده مجموعه پانزده شانزده تومان، چهل تومان چرا...» (همان، ۱۳۸۳: ۱۸۰)

این جملات به منزله تایید نظر فوکو است. او معتقد است «هیچ رابطه قدرتی بدون تشکیل حوزه‌ای از دانش متصور نیست و هیچ دانشی نیست که متضمن روابط قدرت نباشد.» (دریفوس، ۱۳۷۸: ۲۴) میان دانش و قدرت رابطه دوسویه‌ای وجود دارد؛ دانش قدرت می‌آفریند

و قدرت فضاهایی برای دانش ایجاد می‌کند. اما شکایت‌های مداوم فروغ الدوله به حاجی خان نشان می‌دهد که آگاهی از امور، به طور بی‌واسطه کمکی به او نکرده است. به همین جهت سعی می‌کند از راه‌های دیگری، به اهدافش برسد. در نتیجه با استفاده از دانش جامعه‌شناختی خود کنش‌ها و واکنش‌های چرخه قدرت را به حاجی خان پیشکار مخصوص و مخاطب نامه‌ها دیکته می‌کند: «...حالا اگر شما بروید پیش شیخ علی، عجز نیاورید که به شاه عرض نکن، بدتر اینها شیرک می‌شوند. می‌گویند حکما ترسیدند. زور می‌آورند که پس بیایید از ما بخرید، پول به ما بدهید.» (افشار، ۱۳۸۳: ۱۴۰) یا: «...از این قراری که شنیدم گویا آقا علی به فراش‌ها یاد می‌دهد که به محمد حسن بک فحش بدهید. میانه افتادست فساد می‌کند. البته امروز عذر او را هم بخواهید بیرونش کنید... ازش التزام هم بگیرید که دیگر اینجاها نیاید.» (- همان، ۱۳۸۳: ۲۰۴) وی با استفاده از نفوذ خود در دربار، حاجی خان را در خستی کردن توطئه‌ها یاری می‌رساند: «از برای حاجی سرور خان یا بنویسید یا خودتان الان بروید آنجا ببینید به کی می‌خواهند عریضه بدهند. واسطه‌شان از بیرون است یا از اندرون، درست تحقیق کنید. جویا بشوید که پیش کی رفتند، اگر از اندرون باشد من بنویسم که عریضه‌شان را به شاه ندهند.» (همان، ۴۰-۴۱)

همسر فروغ الدوله، حاج علی خان ظهیرالدوله فردی سیاستمدار و عارف مسلک است که علاقه زیادی به سیاست ندارد اما حضور او در شبکه قدرت ضروریست و باید حکم حکومتی داشته باشد. شاهزاده خانم دائما در تلاش است تا به این خواسته نائل شود؛ زیرا می‌داند قدرت و امارت ظهیرالدوله به ارکان قدرت او در اندرون و بیرون ثبات می‌بخشد: «عالیجناب حاجی خان: دیشب یک عریضه به قبله عالم نوشتم که باید یک دستخط مرحمت بفرمایند به نایب‌السلطنه حکومت رشت را به ظهیرالدوله بده. من هرچه بگویم عذر می‌آورد. این دستخط را که التفات کردید عذری نخواهد آورد. انشاءالله تا پیش از ناهار جواب خواهد رسید. ببینم شاه چه فرمایش می‌کند. گاه هست یک دستخط از این بهتر بدهد. آن را نشان می‌دهم. اگر امروز جواب نیامد همین دستخط را می‌دهم پیش نایب‌السلطنه تا ببینم چه خواهد شد.» (همان، ۳۱)

در نامه دیگری برای حاجی خان پیشکار واسطه می‌شود تا او نیز با پیوند به خاندان

سلطنتی راحت‌تر به مقاصدش برسد. خطاب به حاجی خان می‌نویسد:

«مقرب‌الخاقان حاجی خان! این دستخط که شما خواستید نقلی ندارد. به دلخواه شما از شاه می‌گیرم به دست شما می‌دهم، هرچه می‌خواهید بکنید، اما حالا یک عریضه به شاه نوشتم. صبر کنید جواب آن مطلب که آمد این دستخط را می‌گیرم. انشاءالله تا ده دوازده روز دیگر دستخط می‌گیرم می‌دهم.» (همان، ۲۰۱)

یکی از بندهای نظریه فوکو لزوم توجه به تفاوت قدرت مدرن با قدرت سنتی است و این که نمی‌توان کاملاً از نقش سنتی و قدرت مطلقه چشم پوشید. در جامعه در حال تغییر و دگرگونی عصر قاجار که هنوز در ابتدای راه است، برای ماندگاری و ثبات باید به شکل سنتی، به قدرت بالاتر توسل جست. فروغ الدوله با حضور در کانون قدرت به خوبی به این امر آگاه است. در شبکه‌ای که شاه در بالاترین رتبه و کالسه‌چی و آبدارچی و... در پایین‌ترین رده آن قرار دارند، افراد طبقات مختلف از به قدرت رسیدن فرودستان خود می‌هراسند و سعی می‌کنند با توسل به قدرت بالاتر، زیردستانشان را به اطاعت وادارند: «...فرد اصبح من خودم یک کاغذ به آبهرام می‌نویسم ببینم چه می‌گوید، اگر جواب موافق قاعده ندارد به شاه عرض می‌کنم پدرش را درمی‌آورم. آبهرام چه وجود دارد که بخواهد این کارها را بکند. همین که دید من کاغذ به او نوشتم از ترس اینکه مبدا به شاه عرض کنم و شاه بفهمد که پول دارد معامله می‌دهد نمی‌گذارد صدای این کار دربیاید...» (همان، ۱۱۵)

اگرچه فروغ‌الدوله قدرت کافی را برای بازدارندگی در اموری که برای او ناخوشایند است ندارد اما با پشتگرمی به قدرت‌های فائقه (پدر و همسر)، رعیت را با الفاظ تند تادیب می‌کند: «علی سگ کیست که بتواند به شما بی‌حرمتی کند، اگر هم غلطی کرده باشد بدهید آن قدر چوبش بزنند که بمیرد. به سر شاه پدری از این ... دربیاورم که عبرت دیگران باشد همه تقصیرخودت است. می‌خواستی بدهی آن قدر توی سرش بزنند که بمیرد. کسی از شما مواخذه نمی‌کرد.» (همان، ۲۰۴-۲۰۵)

از نظر فوکو در اروپای قرن نوزدهم نوعی جایجایی در عرصه قدرت رخ داده‌است؛ بر اساس آن، قدرت بر روح و روان و فکر و ذهن افراد اعمال می‌شود و نه بر جسم آنها و این نحوه اعمال قدرت نشان از گذر از «جامعه نمایشی» به سوی «جامعه مبتنی بر مراقبت» دارد.

(ر.ک: فوکو، ۱۳۷۸: ۲۷) و نتیجه این گذار آن است که استفاده از ابزارهای گوناگون بتواند بر میزان قدرت بیفزاید. ایران نیز در دوره قاجار-البته دیرتر و کندتر از اروپا- در حال تجربه نتایج این تحول است و دختر ناصرالدین شاه قاجار با آگاهی از شروع تغییرات در جامعه و دربار و تغییر در شیوه‌های اعمال قدرت از روی ناچاری و نه به دلخواه تغییر روش می‌دهد و کوتاهی‌های حاجی‌خان، موجب‌بگیر خانه خود را که به خوبی انجام وظیفه نمی‌کند نادیده می‌گیرد و گاه به‌گاه از او دلجویی نیز می‌نماید؛ دلیل این امر می‌تواند این باشد که کسی معتمدتر از او نیافته یا اینکه رفتارهای حاجی‌خان آن قدر آسیب‌رسان نبوده که قابل اغماض نباشند. این ارباب سعی می‌کند تا بندگی پیشکارش را با کلام ملاطفت آمیز، ترغیب‌های کلامی و خلعت دادن که از نگاه میشل فوکو می‌تواند از ابزارهای کسب قدرت باشند (ر.ک: دریفوس، ۱۳۷۸: ۳۵۸)، استمرار بخشد: «به شما این روزها خیلی بد می‌گذرد هوای گرم طهران، ماشاءالله این همه کار شما هیچ کس طاقت نمی‌آورد. ممنون خدمات شما هستم، اما دو ماه اوقات صرف کردن و ده سال راحتی البته بهتر است. انشاءالله باید امسال کاری بکنید که همه کارها درست بشود آسوده بشوید...» (افشار، ۱۳۸۳: ۱۸۵) یا: «خلعت هم حاضر است به چشم. خدا نکند شما جفت حکیم‌باشی بشوید. شما انشاءالله حالا حالاها باید زنده باشید. خدمت‌ها بکنید، با آقا مکه بروید در زیر سایه شاه...» (همان، ۱۳۸۳: ۳۴)

او به حاجی‌خان پیشکار، اختیاراتی می‌دهد و با واگذاری اندکی از قدرت خود به او شبکه قدرت را گسترده‌تر می‌نماید تا بتواند هم در پیشبرد امور موفقیت بیشتری کسب نماید و هم وفاداری پیشکارش را تداوم بخشد: «آن قدرها بدانید اگر یک چیزی را بدانم که واقع میل شما نیست، اگر ده هزار تومان ضرر کنم بی‌رضایت شما کاری نمی‌کنم...» (همان، ۱۵۴)

سیستم‌های مراقبتی موثر در میزان قدرت در نظریه فوکو نیز در سال‌های آخر و پراشوب عصر ناصری و نزدیک به مشروطیت، که قدرت می‌تواند بسیار آسیب‌پذیر باشد، به کار می‌آید؛ شاهراده با جدیت سعی در جلوگیری از آسیب‌های احتمالی این قدرت دارد. ظهیرالدوله از درباریان رده بالا و صاحب نفوذ است و هر لحظه ممکن است در معرض خطر قرار بگیرد. فروغ‌الدوله با آگاهی کامل از این امر، رفت‌وآمدهای او را به واسطه سیستم مراقبتی خود یا قدرت پنهانی که در این نامه‌ها همان حاجی‌خان است کنترل می‌نماید:

«دیگر آن که تقی یساول حالا که ده بیست روز است رفته‌است این جا نیست. اگر هم آمد غدغن کنید که دیگر این جا پیش آقا نیاید. اگر شنیدم یک دفعه دیگر تقی پیش آقا آمده است مواخذه‌اش را از شما می‌کنم. دیگر آن که بنا بود هر کس روز پیش آقا می‌آید شما به من اطلاع بدهید. گویا فراموش کردید.» (همان، ۱۷۴)

از متن نامه‌ها و لحن فروغ‌الدوله مشخص می‌شود که امر و نهی‌های او تأثیری بر رفتارهای ظهیرالدوله ندارد. به همین جهت مجبور می‌شود گاهی فرد مورد اعتماد خود یعنی حاجی‌خان را مسئول راهنمایی او نماید. این همان اعمال قدرت با ابزارهایی جدیدتر و پنهانی‌تر است: «... بعضی فرمایشات که آقا می‌کند می‌بینید مصلحت نیست آقا را نصیحت بکنید، نگذارید. پس ریش سفید بزرگتر را از برای چه نگاه می‌دارند...» (همان، ۱۴۷)

قابل ذکر است که فروغ‌الدوله جز مدیریت امور اندرونی در امور بیرونی و مرتبط به منزل که اغلب بر عهده مردان بوده‌است نظارت مستقیم داشته و جنبه‌های مردانه شخصیت خود را به نمایش می‌گذاشته‌است. شاید دلیل این امر ویژگی‌های اخلاقی ظهیرالدوله است که بر اثر مدارا با رعیت و ویژگی‌های اخلاقی خود، نمی‌تواند یا نمی‌خواهد در این امور دخالتی نموده و مطابق میل همسرش رفتار کند.

در نظریه فوکو عاملان قدرت به اندازه کسانی که اعمال قدرت می‌شوند، گرفتار خواهند شد فروغ‌الدوله نیز ناخواسته در شبکه قدرتی که فرودستان ایجاد کرده‌اند گرفتار است. او درگیر روابط قدرت در دنیای مردانه می‌شود و با وجود تلاش‌های بسیار، به نتیجه مطلوب نمی‌رسد که در نامه‌های متعدد و از موضع ضعف به این امر اقرار نموده‌است: «...من شما را می‌خواهم محض استراحتی خودم. به جهت اینکه جمیع کارهایم درست باشد، منظم باشد. یک کاری که اتفاق می‌افتد آنقدر باید بنویسم، پیغام بدهم که خسته بشوم... چرا همچو میکنی؟» (همان، ۱۰۹) یا «هرچه می‌گویم کسی پی حرفم نمی‌رود به خدا دیگر زله شدم. تکلیف من چه چیزست. معین کنید بدانم» و در نهایت صریحا اعلام عجز می‌کند: «به خدا من از دست شما ذله شدم. هزار جور کار اندرون دارم من را از برای وجه معطل کردید. هی امروز و فردا می‌کنید.» (همان، ۴۹)

لحن عاجزانه نامه‌ها حکایت از کافی نبودن و افول قدرت نویسنده آنها دارد و نشان دهنده

مقاومت فرودستان در برابر فرادستان و وارونگی قدرت است. فروغ الدوله تجربه‌های بسیاری از این وارونگی دارد. نامه‌های او به پیشکارش، نشان می‌دهد که از اعمال قدرت خاص فرادستان بر فرودستان ناتوان است. قدرت نمایی‌های او ظاهری و کلامی است و با اعمال قطعی فاصله زیادی دارند. به طوری که حاجی خان نیز در موارد متعدد اطاعت امر نمی‌کند و در به سرانجام رسیدن فرمان‌ها اخلال می‌نماید: «...من که به شما نوشته بودم در باب عمارت تا بگویم درست کن هزار جور عذر می‌آوری. نوشته نجار را دیدم. این حرفا به گوش من نمی‌رود. باید عمارت را تمام کنی. سه سال است با این حرف‌ها مرا گول زدی. همین طور اینجا را نصفه‌کاره گذاشتی....» (همان، ۹۳) و «یک کاری را اول ده دفعه، بیست دفعه به شما می‌نویسم آن وقت ده دفعه پیغام می‌دهم. بعد از آنی که نکردید لابد می‌شوم به خودشان می‌گویم....» (همان، ۱۲۰)

در نامه‌های دیگر نیز وضع بر همین منوال است: «این هم جواب است که می‌گویید هر باغبانی می‌آورم می‌گوید اینها موجب نمی‌دهند می‌روند. اقلا خود شما این را نگویند. بگذارید کس دیگر بگوید. من گفتم به باغبان موجب نده؟» (همان، ۱۸۰)

کاملاً روشن است که فروغ الدوله اسیر اندیشه‌ها و اعمال حاجی خان پیشکار است. حاجی خان که مقرب الخاقان درگاه است آنقدر امروز و فردا می‌کند و امور را به هم می‌آمیزد که خشم خواننده امروزی نامه‌ها را نیز برمی‌انگیزد چه رسد به شاهزاده قاجار. شاید اگر نویسنده نامه‌ها ظهیرالدوله بود حاجی خان نمی‌توانست اطاعت امر نکند و چون هنوز نگاه سنتی به زنان تغییر زیادی نکرده محدوده اعمال قدرت آنها نباید فراتر از منزل رود و در اموری خارج از این محدوده دخالت نمایند، موجب تعلل در اجرای دستور می‌شود حتی اگر فرمان از جانب دختر ناصرالدین شاه باشد.

دنیای آشفته پیرامون دختر شاه که قدرت قدرتمندان را تحت الشعاع داده و استیصال وی و تعلل ورزیدن زیردستانش که از جاری بودن قدرت در لایه‌های به ظاهر فرودست جامعه نشان دارد در نامه زیر کاملاً آشکار است:

«...من خسته شدم از بس به شما نوشتم این حساب را تمام کنید و شما امروز فردا کردید.

وقتی می‌نویسم یک سری در این کار هست می‌گویید چه سری است. پنجاه کاغذ شما را

دارم که نوشتید حالا که وقت غروب است حساب استاد علی اصغر را تمام کردم، فردا صبح زود می‌دهم پیش شما. نمی‌دانم این صبح که شما می‌گویید کدام صبح است...» (افشار، ۱۳۸۳: ۱۸۳)

در جامعه‌ای که در اثر بی‌کفایتی حاکمان به مصائب و مشکلات گوناگون دچار شده مقاومت در برابر قدرت و تسلیم نشدن امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود و اغلب به واژگونی قدرت منجر می‌شود، رعیت کم‌کاری می‌کند، وعده می‌دهد، فریبکاری می‌نماید تا از سلطه قدرت خارج شود. این مقاومت‌ها، روح قدرت فروغ‌الدوله را که در جامعه اشرافی زیسته، آزرده می‌سازد و به ناچار به تمکین وامی‌دارد. در نامه‌های بسیاری به این موارد از واژگونی قدرت اشاره شده است:

«امروز آدم‌ها می‌گفتند ده دوازده روزست که قراول‌های درب اندرون قهر کردند رفتند. سبب این را ندانستم چه بودست...» (افشار، ۱۳۸۳: ۱۵۸) یا: «چندروزی است یک‌جوری شام می‌دهند که هیچ نمی‌شود خورد. آدم رغبت نمی‌کند سر سفره بنشیند، به خدا ذله شدم، تکلیف خودم را نمی‌دانم چه می‌گویم. هیچ‌کس پول دادست این جور شام بخورد؟» (همان: ۵۸)

در نامه‌ای دیگر از نافرمانی کلفت و نوکر، صنعتگر خرده‌پای ضعیف محله که از درخواست وی سرپیچی کرده و موقعیت ممتاز وی را نادیده انگاشته‌اند می‌گوید:

«یک آدم بفرستید پیش حاج محمد مهدی زرگر، امسال دو سال است که من نقره دادم میوه خوری بسازد یک دستش را پارسال آورد، یک دست دیگر همین طور مانده است. نه نقره زیادش را می‌دهد نه میوه‌خوری می‌سازد بدهد. هرچه به آقا می‌گویم میوه‌خوری‌ها چه طور شد می‌گوید دوسه روز دیگر می‌آورند. دو سال است همین طور طول کشیده است...» (همان، ۱۳۸۳: ۲۶)

بی‌سر و سامانی نظام حکومتی و سرپیچی از فرمان در دربار حتی در بالاترین سطح نیز وجود داشته است. ناصرالدین شاه به میرزا آقا خان نوری که بعد از امیر کبیر صدر اعظم شد این گونه می‌نویسد:

«جناب اشرف صدر اعظم، عریضه‌های شبانه شما واقعا ما را متاثر و دلسردتر از همه چیز می‌کند. روزها که به حضور می‌رسید و فرمایشات ما را می‌شنوید همه را بله قربان، اطاعت

می شود، می گوید و ما خیال می کنیم کارها درست شده. شبها که به اندرون می آییم، عریضه شما را می دهند که سرتاسر خلاف مطالبی است که ما فرموده ایم.» (آدمیت، ۱۳۹۴: ۷۵۸)

بیشترین بسامد در نامه‌ها، مربوط به عجز و ناتوانی یکی از نزدیک‌ترین افراد به راس هرم قدرتی دربار است که با وجود امر و نهی‌های بسیار در عمل کاری از پیش نمی‌برد.

نتیجه‌گیری

از تحلیل محتوای نامه‌ها برمی‌آید که: ملکه ایران نه رقیبی دارد که از سر راه بردارد و نه در پی قربانی کردن نزدیکان خود است، به آسودگی رعیت نیز می‌اندیشد و حاجی‌خان را با همه فریکاری‌هایش پذیرفته است. فروغ‌الدوله با داشتن خصلت‌های خوب، در تدبیر امور زندگی در دایره تنگ اندرونی ناکارآمد است و هر چه تقلا می‌کند نمی‌تواند سررشته امور را به دست گیرد و در نهایت، قدرت جامعه مردانه پیرامون او حتی از قشر فرودست، پیروز میدان می‌شود.

حاکمیت فرهنگ مردسالارانه و نگاه جنسیتی عصر خویش به زن، او را به استیصال و درماندگی می‌رساند تا جایی که نمایش رفاه و دارایی‌های مادی و معنوی در مقابل پیشکار، رعیت، آشپز، باغبان و طبقه صنعتگر خرده‌پا نیز نتیجه مطلوبی ندارد. در جامعه در حال گذار ایران آن روز، خواص با وجود داشتن امتیازات بسیار نیز نمی‌توانند مانند گذشته از توانایی‌هایشان بهره ببرند و قدرت مطلقه جای خود را به شبکه‌ای از قدرت داده است که همه افراد جامعه در آن حضور دارند و سطوح مختلف فرودست چون طبقه فرادست اعلام و اعمال قدرت و گاه مقاومت می‌کنند.

منابع

کتاب‌ها

۱. اتحادیه، منصوره (۱۳۸۸) زنانی که زیر مقنعه کلاهداری نموده‌اند، تهران: نشر تاریخ ایران.
۲. آدمیت، فریدون (۱۳۹۴) امیر کبیر و ایران، چاپ یازدهم، تهران: خوارزمی.
۳. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۴۹) صدرالتواریخ، تصحیح محمد مشیری، تهران: خوارزمی.
۴. افشار، ایرج (۱۳۸۳) نامه‌های فروغ الدوله، تهران: فروزان.
۵. امانت، عباس (۱۳۸۲) قبله عالم، تهران: نشر کارنامه.
۶. بامداد، بدرالملوک (۱۳۴۸) زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، ج ۲، تهران: انتشارات ابن سینا.
۷. بشیریه، حسین (۱۳۸۱) جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نشر نی.
۸. دریفوس، هیوبرت و رابینو، پل (۱۳۷۸) میشل فوکو، فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
۹. سالور، قهرمان میرزا (۱۳۷۶) روزنامه خاطرات عین السلطنه، تهران: اساطیر.
۱۰. سرمدی، عباس (۱۳۸۰) دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، تهران: هیرمند.
۱۱. سرنا، کارلا (۱۳۶۲) آدم‌ها و آیین‌ها در ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.
۱۲. شیل، مری (۱۳۶۸) خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسن ابوترابیان، تهران: نشراندیشه.
۱۳. عاملی رضایی، مریم (۱۳۸۹) سفر دانه به گل (سیر تحول جایگاه زن در نثر دوره قاجار)، تهران: نشر تاریخ ایران.
۱۴. فوکو، میشل (۱۳۷۸) مراقبت و تنبیه: تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش؛ افشین جهاننیده، تهران: نشر نی.
۱۵. معیرالممالک، دوستعلی خان (۱۳۹۰) یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه، تهران: نشر تاریخ ایران.

۱۶. نوایی، عبدالحسین (۱۳۸۳) مهد علیا به روایت اسناد، تهران: اساطیر.
۱۷. کریمی، بهزاد (۱۳۹۲) ناصرالدین شاه قاجار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.

مقالات

۱۸. اشرف نظری، علی (۱۳۸۴) مفهوم قدرت در اندیشه ی سیاسی هابز، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۹، صص ۲۸۷-۲۶۱.
۱۹. عاملی رضایی، مریم؛ حمیدی، سید جعفر (۱۳۸۷) حول جایگاه زن در نثر پیش از مشروطه (از دوره فتحعلی شاه تا مظفر الدین شاه)، مجله تاریخ ادبیات، زمستان، ش ۵۹، صص ۴۶-۶۰.
۲۰. ادرزاده، هیرش؛ نوری، هادی؛ نعیمی، عباس (۱۳۹۱) بازشناسی مفهوم قدرت در اندیشه فوکو، غربشناسی بنیادی، س ۳، ش ۲، پاییز و زمستان، صص ۱۲۷-۱۰۷.
۲۱. نوابخش، مهرداد؛ کریمی، فاروق (۱۳۸۸) واکاوی مفهوم قدرت در نظریات میشل فوکو، نشریه مطالعات سیاسی، دوره ۱، شماره ۳، صص ۶۳-۴۹.

Investigating the Concept of Power in the Letters of Forough-al-Dawlah the daughter of Naser-al-Din Shah Qajar, relying on the power theory of Michel Foucault

Masumeh Shahsavari¹, Dr. Fatemeh Heydari²

Abstract

Studies show that the lives of women throughout history have been constantly ups and downs and in the face of injustice and contempt. With regard to men's writing in Persian history and literature, less information can be obtained about the personality traits and cognitive identity of women. Their presence in the political, social, and political spheres of the Qajar period, and those that have gone away from time to time, is important for achieving this recognition. Among these works, letters are worth more because of the facts of life. This research has been aimed at analyzing these letters, the extent and manner of exercising the power of women in the courtroom. The research method in this paper is based on analysing of Forough Dawlah's letters, Nasser al-Din Shah Qajar's daughter, and their compliance with the statements of power of nineteenth-century theorist Michel Foucault. The result obtained indicates that Despite the increasing awareness and increasing the presence of women in the community, they have not been able to respond to the demands of self-restraint without the support and support of men, and in the context of the distribution of power, they have been subordinate to the lower.

Keywords: Qajar era, women, letters, Forough Dawlah, power, Michel Foucault.

¹. PhD Student in Persian Language and Literature, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Masumeh

². Associate Professor of Persian Language and Literature, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. (Responsible author)